



هفته‌نامه زمان ظهور



در این شماره می‌خوانیم:

اجر بالابرَدنِ شأنِ مکتبِ سید احمدالحسن علیه السلام
اختلاف، مهم‌ترین علت سقوط
منجی از عراق می‌آید
وصیت، راه شناخت همهٔ خلفای الهی
رفتار حاکم با مردم
آدم علیه السلام چند هزار سال پیش متولد شد؟
واقفیهٔ عصر ظهور با هشدار از سوی امام رضا علیه السلام
آیا عقیدهٔ مهدی، اصل و خاستگاه شیعی دارد؟



از جمله روشن‌ترین مصادیقی که منافقین را خشمگین می‌کند، بالابرَدنِ شأنِ مکتبِ سید احمدالحسن و بالابرَدنِ شعار و نماد آن، در سینه‌ها و در مکان‌هاست.

سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است و برای هدایت و زمینه سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولد شده در آخر الزمان نزد اهل سنت که رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت تولد ایشان را داده اند و نیز فرستاده ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان است. ایشان دعوت الهی خویش را به دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی همچون دعوت رسول الله به همه جهان انتشار یافت. سید احمد الحسن علیه السلام برای اثبات حقانیت خویش، به قانون معرفت حجت های الهی احتجاج می کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می شود:

۱. نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را مطرح کرده اند و نام مبارک احمد به عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.
۲. علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده و با آن، همه علمای ادیان و بزرگان الحاد را به تحدی فراخوانده اند.
۳. پرچم البیعة لله (دعوت به حاکمیت خدا)

ایشان یکی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در وصیت آن حضرت در زمان وفاتش به وی تصریح شده است: از اباعبدالله جعفر بن محمد از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه ها زین العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود: «... ای ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن ها دوازده مهدی. ای علی، تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام اند و سپس دوازده مهدی خواهد بود... پس اگر زمان وفاتش رسید، آن را [خلافت] به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورندگان است.»

سیدالمرسلین

فهرست

- ۳..... اجر بالابدنِ شأنِ مکتبِ سید احمد الحسن علیه السلام
- ۴..... اختلاف، مهم‌ترین علت سقوط.....
- ۷..... وصیت، راه شناخت همه خلفای الهی علیهم السلام
- ۸..... منجی از عراق می‌آید.....
- ۱۱..... رفتار حاکم با مردم.....
- ۱۳..... آدم علیه السلام چند هزار سال پیش متولد شد؟.....
- ۱۵..... واقفیه عصر ظهور با هشداری از سوی امام رضا علیه السلام.....
- ۱۷..... آیا عقیده مهدی، اصل و خاستگاه شیعی دارد؟.....
- ۱۹..... کتاب پاسخ‌های فقهی متفرقه، جلد پنجم.....



هفته‌نامه زمان ظهور

هفته‌نامه زمان ظهور، شماره ۸۷، جمعه
۲۴ مرداد ۱۳۹۹، ۲۴ ذوالحجه ۱۴۴۱، ۱۴
آگوست ۲۰۲۰

صاحب امتیاز: مؤسسه وارثین ملکوت
راه‌های ارتباطی:

www.zamanezohoor.com



هر گونه برداشت از هفته‌نامه با ذکر منبع بلامانع است.

زمان ظهور منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات
سازنده شما عزیزان است.

الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام
على سيد المرسلين
آمين

اجر بالابردن شأن مکتب سید احمد الحسن علیه السلام

شیخ ناظم عقیلی می‌نویسد:

(وَلَا يَطُؤُنْ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نِيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ)

(و در هیچ مکانی که کافران را به خشم می‌آورد، قدم نمی‌گذارند و از دشمنی غنیمتی به دست نمی‌آورند مگر اینکه به سبب آن، عمل صالحی برای آنان [در کارنامه‌شان] نوشته می‌شود؛ زیرا خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند). (توبه، ۱۲۰)

دوستان عزیزم، خداوند همگی شما را زنده بدارد. محل شاهد، این قسمت از آیه است که هر کار یا سخنی که کفار را خشمگین کند، بالابردن درجات و به‌دست آوردن حسنات و نیکی‌هاست و در آن حالت انسان در چشمان خداوند متعال است...

بنابراین حضور در خانه‌های خدا و خانه‌های حجت‌های خدا و بالابردن شعار حاکمیت خدا و ترویج ذکر و رفتار حجت‌های الهی، همه این مسائل، کفار و منافقین را خشمگین می‌کند و خداوند برای فردی که این کار را انجام دهد، عمل صالح می‌نگارد و درجات او را ارتقا می‌بخشد.

از جمله روشن‌ترین مصادیقی که منافقین را خشمگین می‌کند، بالابردن شأن مکتب سید احمد الحسن و بالابردن شعار و نماد آن، در سینه‌ها و در مکان‌هاست. از خداوند خواستاریم که ما و شما را نسبت به یاری همیشگی حق، ثابت بدارد و عاقبت ما را به این مسئله ختم کند؛ او شنوای اجابت‌کننده است.

شیخ ناظم عقیلی، ۱۳ آگوست ۲۰۱۸

سید احمد الحسن علیه السلام:

ای انصار خدا! ای انصار انبیا و فرستادگان الهی! ای انصار حسین علیه السلام! ای انصار

امام مهدی علیه السلام! پروای الهی داشته باشید و به یقین برسید و بنگرید چگونه

امانت‌داری برای امام مهدی علیه السلام بوده‌اید؟ مقدمه کتاب متشابها، ج ۳، ص ۱۶

اختلاف، مهم‌ترین علت سقوط

پیامبر ﷺ فرمود: «در بدن فرزند آدم، بخشی است که اگر اصلاح شد، تمام جسد اصلاح می‌شود و اگر فاسد شود، تمام جسد فاسد می‌شود و آن قلب است.»

پس از آن، باید با این دل‌های شایسته، به‌سوی خداوند توجه کنیم و صداهايمان را بلند کنیم تا برای امام ما، تمکین حاصل کند و تا پرچم حق را در اهتزاز بینیم؛ همان پرچم آل محمد ﷺ.

۲. بر ماست که برای عمل و انتشار دعوت امام مهدی ﷺ و برای تمکین امامان تلاش کنیم. هیچ تلاشی را ترک نکنیم یا مالی را ذخیره نکنیم و ازیاری‌اش سرباز نزنیم. به این دلیل این کارها را کنیم تا خداوند، شرافت مقدمه‌سازان و یاری و رستگاری آخرت را روزی ما کند.

خداوند سبحان، همه تلاش‌هایی را که برای یاری دین و دفاع از خلفایش شده است، حفظ می‌کند؛ همان‌طور که تاریخ، در صفحات خودش، این روزهای مبارک را می‌نگارد و

ای مؤمنین! در این جمعه مبارک و مناسبت عطرائگیز، توصیه به این مسائل را از دست نمی‌دهیم:

۱. بر ماست که به خداوند متعال پناه ببریم و با خداوند سبحان ارتباط پیدا کنیم. نجات، به واسطه اوست. هر فردی به خداوند متعال پناه ببرد، خداوند او را تسدید می‌کند و به او توفیق می‌دهد و حکمت را روزی‌اش می‌کند: (يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا) (حکمت را به هر کس بخواهد می‌دهد، و آن‌که به او حکمت داده شود، بی‌تردید او را خیر فراوانی داده شده است). [بقره، ۲۶۹]

هر فردی دستش را از دستان خداوند سبحان جدا کند، راهنمایی برای خودش نمی‌یابد و سرگردان و حیران می‌ماند و هر اندازه زمان جلو برود، از حق دور و به جهنم نزدیک می‌شود. پناه بر خدا! دل‌هایمان باید خانه خداوند متعال باشد. در حدیث قدسی آمده است که خداوند (عزوجل) فرمود: «زمین و آسمانم، مرا نمی‌تواند در برگیرد؛ ولی قلب بنده مؤمنم، مرا در بر می‌گیرد.» هر فردی که دلش خانه خداوند باشد، دلش اصلاح می‌شود و در دلش حکمت می‌روید.

سید احمد الحسن ﷺ:

دعوت به دست خداست؛ و نیز خدا بر اساس اخلاص مؤمن، به او عطا می‌فرماید. قلب با ذکر خدا و ذکر اولیای الهی نرم می‌شود؛ لذا هرگاه قلب‌ها دچار قساوت شد، با ذکر خدا بر آن غلبه کنید. در محضر عبد صالح، ج ۱، ص ۹۶

را بر شما می‌افزایم و اگر ناسپاسی کنید،
بی‌تردید عذابم سخت است. [ابراهیم، ۷]
۳. بر ماست که نسبت به یکی شدن صف
مؤمنین کار کنیم. برای برپایی جامعه‌ها
و ساختن شایسته آن خطری شدیدتر از
نفرت داشتن دل‌ها از هم و اختلاف کلمه
و اختلاف نظرات نیست.



خداوند سبحان فرمود: (وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ
اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا) (همگی به رِسمان
خداوند چنگ بزنید و متفرق نشوید).
[آل عمران، ۱۰۳] (أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَفَرَّقُوا
فِيهِ) (دین را برپا کنید و متفرق نشوید).
[شوری، ۱۳]

پیامبر ﷺ فرمود: «مؤمن برای مؤمن،
مانند ساختمان است که یکدیگر را محکم
می‌کنند.» از جمله مهم‌ترین علت‌های
سقوط، اختلاف و درگیری و تفرقه است که به
شکست و زیان می‌انجامد. خداوند سبحان
فرمود: (وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ)
(با یکدیگر نزاع نکنید؛ چرا که شکست

تلاش‌های مؤمنین را حفظ می‌کند؛ همان
طور که تلاش‌های یاران اهل بیت علیهم‌السلام را
حفظ کرده است.

شیخ مفید در کتاب «اختصاص» روایت
کرده است که عمرو بن حَمَق خزاعی به
امیرالمؤمنین علی‌علیه‌السلام عرض کرد: «به خدا سوگند،
برای اینکه مال دنیا را به من بدهی و اینکه
سلطنتی به من بدهی تا نامم سر زبان‌ها
بیفتد، نزد شما نیامدم. فقط به این خاطر
است که پسرعموی رسول‌الله ﷺ هستی
و سزاوارترین مردم و همسر فاطمه، بانوی
زنان جهانیان علی‌علیه‌السلام هستی و پدر فرزندان
که باقی‌مانده رسول‌الله ﷺ هستند و از بین
مهاجرین و انصار، بالاترین سهم مسلمانی را
داری. به خدا سوگند، اگر به من دستور دهی
که کوه‌های بلند و دریا‌های پر را جابه‌جا کنم
و در دستانم، شمشیرم هست که دشمنان را با
آن نابود کنم و دوست را با آن نیرومند سازم
و تو را سربلند کنم و حجت و دلیل تو را بالا
ببرم، گمان نمی‌کنم که همه حق تو را به‌جا
آورده باشم. همان حقی که بر گردنم است.
امیرالمؤمنین علی‌علیه‌السلام فرمود: «خدایا! قلبش را با
یقین، نورانی کن و او را به‌سوی راه مستقیم
هدایت کن. ای کاش در بین شیعیانم، صد
نفر مانند او می‌بود.»

ما می‌دانیم، هر اندازه عمل کنیم، به‌خاطر
بخشش و گرم خداوند بر ماست. بر
ماست که او را شکر گوئیم: (لَئِنْ شَكَرْتُمْ
لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ)
(اگر شکرگزاری کنید، قطعاً [نعمت] خود

سیداحمدالحسن علی‌علیه‌السلام:

به قرائت قرآن پردازید و هر مقدار که می‌توانید دعا بخوانید. در سیره اولیای الهی
تدبر کنید و از آن پند بگیرید. در محضر عبد صالح، ج ۱، ص ۹۶

خودشان، احوالشان را اصلاح کنند و تغییر دهند). [رعد، ۱۱] خدایا! بدی حال ما را با حال خوب خودت اصلاح کن.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الطَّاهِرِ الطُّهْرِ الْمُبَارَكِ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ وَ سُلْطَانِكَ الْقَدِيمِ، يَا وَاهِبَ الْعَطَايَا وَ يَا مُطْلِقَ الْأَسَارِ، وَ يَافْكَائِكَ الرَّقَابِ مِنَ النَّارِ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تُغْنِيَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَ أَنْ تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا وَ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ آمِنًا، وَ أَنْ تَجْعَلَ دُعَائِي أَوَّلَهُ فَلَاحًا وَ أَوْسَطَهُ نَجَاحًا وَ آخِرَهُ صَلَاحًا. إِنَّكَ أَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ»

«خدایا! به واسطه نام پنهان ذخیره شده و پاک و پاکیزه و بابرکت تو، از تو درخواست می کنم، و به واسطه نام بزرگ و سلطنت قدیم تو، از تو درخواست می کنم، ای خدایی که بخشش داری و ای خدایی که اسیران را آزاد می کنی و ای خدایی که افراد را از آتش آزاد می کنی. از تو می خواهم که بر محمد و آل محمد درود بفرستی و گردن مرا از آتش آزاد کنی و مرا در حالی که سالم هستم، از دنیا بیرون ببری و مرا در حالی که در امنیت هستم، وارد بهشت کنی و اول دعایم را رستگاری و میانش را پیروزی و آخرش را شایسته شدن قرار دهی. تو دانای غیب های.»

مکتب و دفتر سید احمد الحسن (علیه السلام)، نجف اشرف، ۱۳ شعبان ۱۴۴۰

می خورید و قدرتتان از بین می رود).

بر ماست که دیگران را درک کنیم و نسبت به آنان انصاف داشته باشیم و از سوءظن دوری کنیم و نسبت به نظرات شخصی مان، تعصب نداشته باشیم تا جامعه ما در درون خود، شایسته باشد و به نسبت دیگران و جامعه های دیگر اصلاح گر باشد.



مسئولیت انصار قائم (علیه السلام) بودن، خیرخواهی و قربانی شدن را بر آنها واجب می کند؛ برای اینکه امام ما یمانی، الگوی ماست که قربانی شد و به خاطر دین خداوند و اصلاح جامعه تحمل کرد و شکیبایی کرد. بر ماست که در یاری حق و بیان و نشر حق، به یکدیگر کمک کنیم؛ همان طور که بر ما لازم است در خانه انصار بمانیم؛ همان خانه ای که در مکتب و دفتر سید احمد الحسن (علیه السلام) و مؤسسه های امام مهدی (علیه السلام) جلوه گر است و آنها را حمایت کنیم و پیشرفت دهیم.

خداوند سبحان فرمود: (إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ) (خداوند احوال قومی را اصلاح نمی کند تا اینکه

سید احمد الحسن (علیه السلام):

فرزندانتان را با آموزش قرآن، نماز، روزه و یاد خداوند اصلاح کنید و برایشان داستان های پیامبران و اوصیا و مردان و زنان شایسته را تعریف نمایید، تا از آنان الگویی بگیرند و به روش آنان رفتار کنند. پاسخ های روشنگرانه، ج ۷، ص ۱۵۲

وصیت، راه شناخت همه خلفای الهی

وصیت کرد و یحیی بن زکریا به منذر و منذر به سلیمه و سلیمه به برده علیه السلام وصیت کردند. سپس رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: و برده آن را به من تسلیم کرد و ای علی، من آن را به تو تسلیم می کنم و تو آن را به وصی خود تسلیم کن و وصی تو آن را به اوصیای تو تسلیم کند که از فرزندان هستند یکی پس از دیگری، تا آن را به دست بهترین اهل زمین که بعد از توست تسلیم کنند. و امت به تو کافر می شوند و درباره تو اختلاف بسیار شدیدی ایجاد می شود و ثابت قدمان در راه تو در کنار من خواهند بود و کسانی که از تو دوری می کنند جایگاهشان جهنم است و «جهنم جایگاه کافران است».

و اکنون وصیت رسول الله صلی الله علیه و آله در شب وفاتش چراغ راه همه جهانیان به سمت نور و حقیقت، در بین دستان ماست و سنت خداوند هیچ وقت تبدیل و تغییر نخواهد یافت.

۱. الامامة والتبصرة، ابن بابویه قمی، ص ۲۰ تا ۲۳.

شدیداً. الثابت عليك كالمقيم معي، والشاذ عنك في النار «والنار مثوى الكافرين».[۱]

سعد بن عبدالله از احمد بن محمد بن عیسی و محمد بن حسین بن ابی خطاب و هیثم بن ابی مسروق النهدی از حسن بن محبوب السرداد از مقاتل ابن سلیمان از ابی عبدالله علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمودند: «رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:

من سرور انبیا هستم، و وصی من سرور اوصیا، و اوصیای او سرور اوصیا هستند. همانا

آدم علیه السلام از خداوند تبارک و تعالی درخواست کرد که برای او وصی صالحی قرار دهد؛ پس خداوند عزوجل به او وحی کرد: من با نبوت، انبیا را گرامی داشتم، سپس خلقم را اختیار کرده و از بهترین آنها اوصیا را قرار دادم. پس آدم علیه السلام فرمود: خداوند، وصی مرا بهترین اوصیا قرار ده؛ پس خداوند به او وحی فرمود: ای آدم به شیث وصیت کن. پس آدم علیه السلام به شیث وصیت کرد. همانا او بخشش بلاعوض خداوند است ای فرزند آدم (... تا آنجا که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:) و عیسی علیه السلام به شمعون بن حمون الصفا وصیت کرد، و شمعون به یحیی بن زکریا

سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد بن عيسى ومحمد بن الحسين بن أبي الخطاب والهيثم بن أبي مسروق النهدي، عن الحسن بن محبوب السرداد، عن مقاتل ابن سليمان، عن أبي عبد الله علیه السلام، قال: قال النبي: (أنا سيد النبيين، ووصيي سيد الوصيين وأوصياؤه سادة الأوصياء. إن آدم علیه السلام سأل الله تعالى أن يجعل له وصياً صالحاً، فأوحى الله عزوجل إليه: إني أكرمت الأنبياء بالنبوة، ثم اخترت خلقي وجعلت خيارهم الأوصياء. فقال آدم علیه السلام: يا رب اجعل وصيي خير الأوصياء. فأوحى الله إليه: يا آدم، أوص إلى شيث. فأوصى آدم إلى شيث، وهو هبة الله بن آدم (... إلى أن قال علیه السلام):) وأوصى عيسى إلى شمعون بن حمون الصفا، وأوصى شمعون إلى يحيى بن زكريا، وأوصى يحيى بن زكريا إلى منذر، وأوصى منذر إلى سليمة، وأوصى سليمة إلى برده. ثم قال رسول الله: ودفعها إلى برده. وأنا أدفعها إليك يا علي، وأنت تدفعها إلى وصيك، ويدفعها وصيك إلى أوصيائك من ولدك واحداً بعد واحد، حتى تدفع إلى خير أهل الأرض بعدك. ولتكفرن بك الأمة، ولتختلفن عليك اختلافاً كثيراً

سید احمد الحسن علیه السلام:

...خود را برای خدا خالص کن؛ تا آنجا که خود را نبینی و فقط خدا را ببینی؛ فقط خدا. در این صورت است که خدا با زبان تو سخن می گوید و آنچه را اراده می کند به وسیله تو می گوید و حق را از ناحیه تو ظاهر می سازد. بیانیه نصیحت به انصار

منجی از عراق می‌آید

د = ب، لا = ص، ۶ = ر، ه = ه) می‌آید؟ این کسی که به لباس جلیل خود ملبّس است و در کثرت قوّت خویش گام برمی‌دارد. «آن منم که به عدالت تکلم می‌کنم و برای نجات، زور آور هستم.» ۲ چرا لباس تو سرخ است و جامه‌ تو مثل کسی که چرخشت را پایمال کند؟ ۳ من چرخشت را به تنهایی پایمال نمودم و احدی از ملت‌ها با من نبود و ایشان را به غضب خود پایمال کردم و به حدّت خشم خویش لگدکوب نمودم و خون ایشان به لباس من پاشیده شده، تمامی جامه خود را آلوده ساختم. ۴ زیرا که روز انتقام در دل من بود و سال فدیة شدگانم رسیده بود. ۵ و نگریستم و اعانت‌کننده‌ای نبود و تعجب نمودم، زیرا دستگیری نبود. از این‌رو بازوی من مرا نجات داد و حدّت خشم من مرا دستگیری نمود. ۶ و قوم‌ها را به غضب خود پایمال نموده، ایشان را از حدّت خشم خویش مست ساختم؛ و خون ایشان را بر زمین ریختم).



در مقاله پیشین نکات مهمی ارائه شد و به‌طور قطع تمام شواهد نشان داد که منجی، همان احمدالحسن، یعنی وصی سیزدهم پیامبر اسلام است. همچنین در این مقاله قرار بر این شد که شواهدی را از کتاب مقدس ارائه کنیم که به مکان ظهور احمدالحسن اشاره دارد.

چنان که در شماره پیشین گذشت، بره همان شخصیت سوارشونده بر اسب سفید است. در ارتباط با او می‌خوانیم:

(... به عدل داوری و جنگ می‌کند، ... ۱۳ و جامه‌ای خون‌آلود در بردارد ... ۱۵ و از دهانش شمشیری تیز بیرون می‌آید تا به آن امت‌ها را بزند و آن‌ها را به عصای آهنین حکمرانی خواهد نمود؛ و او چرخشت خمر غضب و خشم خدای قادر مطلق را زیر پای خود می‌افشرد. ... ۱۹ و دیدم وحش و پادشاهان زمین و لشکرهاى ایشان را که جمع شده بودند تا با اسب‌سوار و لشکر او بجنگند. ... ۲۱ و باقیان به شمشیری که از دهان اسب‌سوار بیرون می‌آمد کشته شدند (... (مکاشفه، باب ۱۹)

حال به آنچه در اشعیا، باب ۶۳ آمده است، رجوع کنیم:

۱) این کیست که از ادوم با لباس سرخ از بصره (عبارت «בצרה» در متن عبری آیه معادل «بصره» است که تجزیه آن بدین شکل است:

سیداحمدالحسن (علیه السلام):

تقوای الهی پیشه کنید و به اصلاح نفس خود پردازید. هرکدام از شما خودش را بهترین مردم می‌داند و خود را از همه یا برخی از انصار برتر می‌داند!

در محضر عبد صالح، ج ۱، ص ۹۷



سیر می‌شود و از خون ایشان مست می‌گردد. زیرا خداوند، یهوه صبايوت در زمین شمال، نزد نهر فرات ذبحی دارد. (آرمیا ۴۶: ۱۰) یهوه صبايوت (خدای لشکرها) در اینجا منجی است؛

پس شخصیتی که ذکرش در (اشعیا ۶۳: ۱ تا ۶) آمده است، همان «اسب‌سوار» است. همچنین این نجات‌دهنده از بصره، چنین می‌گوید: (زیرا که یوم انتقام در دل من بود و سال فدیة شدگانم رسیده بود). (اشعیا ۶۳: ۴)؛ پس منجی با روز انتقام مرتبط است.

دکتر علاء سالم می‌گوید: «آن قربانی عزیزی که خواستار انتقام خونش است جدش حسین علیه السلام است که در کربلا در کنار رود فرات به شهادت رسید.» (احمد موعود، پیونددهنده رسالت‌های آسمانی)

پس این آیات به وضوح به احمدالحسن اشاره دارد؛ کسی که از بصره عراق آمده است و خون‌خواه جدش حسین است.

پس «سنگ زاویه» به چه کسی اشاره دارد؟! (۴۲) عیسی بدیشان گفت: مگر در کتب هرگز نخوانده‌اید اینکه سنگی را که معمارانش رد نمودند، همان سر زاویه شده است. این از جانب خداوند آمد و در نظر ما عجیب است. ۴۳ از این جهت شما را می‌گویم که ملکوت خدا از شما گرفته شده، به امتی که میوه‌اش را بیاورند، عطا خواهد شد. (متی، باب ۲۱). و در مزامیر می‌خوانیم: (۲۲) سنگی را که معماران رد کردند، همان سر زاویه شده است. ... ۲۴ این است روزی که خداوند ظاهر کرده است. در آن وجد و شادی خواهیم نمود. ۲۵ آه ای خداوند نجات ببخش! آه ای خداوند سعادت عطا فرما! ۲۶ متبارک باد او که به نام



اگر این وصف را در کنار آنچه در رابطه با او در آرمیا آمده است، قرار دهیم، به نکته مهمی دست می‌یابیم: (زیرا که آن روز، روز انتقام خداوند، یهوه صبايوت است که از دشمنان خود انتقام بگیرد. پس شمشیر هلاک کرده،

سید احمد الحسن علیه السلام:

ما را با علم و عمل و اخلاص و اصلاح بین خودتان یاری دهید. بهترین امتی باشید که برای مردم خارج شده است و اگر اصحاب کهف نبود، پس شما برای گذشتگان و آیندگان مایه تعجب باشید. پاسخ‌های روشن‌گرانه، ج ۳، ص ۳۷

به ارتباط این سنگ زاویه با «خانهٔ پروردگار» دقت کنیم؛ در هیکل، سنگی وجود ندارد که در گوشه قرار داشته باشد و به عیسی علیه السلام اشاره داشته باشد. اما در امت دیگری از فرزندان ابراهیم و در آن خانهٔ خدا که ابراهیم و پسرش اسماعیل بنا نهادند سنگی خاص در گوشه‌اش (که رکن عراقی نام دارد) قرار گرفته است. تمامی این امور به نجات‌دهنده‌ای که از عراق می‌آید، اشاره می‌کند.

(ر.ک. سیزدهمین حواری) و او احمدالحسن است. برای تأکید بیشتر بر اینکه این سنگ یا منجی، در آخرالزمان و از عراق ظهور می‌کند، می‌توان به رؤیای پادشاه عراق (بابل) رجوع کرد. (ر.ک. دانیال ۲: ۳۱ تا ۴۵) و جالب آنکه حتی حساب ابجد «سنگ» در متن عبری «[כֶּסֶם]»، برابر است با حساب ابجد عبارت «احمد».

همچنین احمدالحسن همان «پسر انسان» در (متی ۲۴: ۲۷) است: (زیرا همچنان که برق از مشرق ساطع شده، تا به مغرب ظاهر می‌شود، ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد بود). که مشرق نسبت به مکان عیسی در آن زمان، عراق است.

پس تا اینجا آموختیم که بره، احمد است؛ که یکی از آن ۲۴ شیخ، از سبط یهودا و جمع‌کنندهٔ یاران پدرش است و کنیهٔ او، «اسرائیل» = «عبدالله» است و «صادق» و «امین» خوانده شده، از «بصره» در کشور «عراق» آمده و خون‌خواه جدش است. (به کتب احمدالحسن رجوع کنید).

به امید خدا در آینده، به علم و حکمت احمدالحسن خواهیم پرداخت.

خداوند می‌آید. شما را از **خانهٔ خداوند** برکت می‌دهیم). (مزامیر، باب ۱۱۸)



احمدالحسن بر طبق آیات روشن ساخت که سنگ، در امتی دیگر است. و در کلام عیسی روشن است که ملکوت از امت بنی اسرائیل و کسانی که به عیسی گرویدند، ستانده می‌شود و به امتی دیگر که به دستاوردهای ملکوت عمل می‌کنند، داده می‌شود و عیسی علیه السلام سنگ را علت دادن ملکوت به امت دیگری غیر از امتی که مدعی پیروی از موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام هستند برمی‌شمارد. همچنین باید

سید احمدالحسن علیه السلام:

حداقل قبل از هر مناظره و رودرروی برای تبلیغ، غسل توبه کنید تا پیروز باشید و از گناهانتان خارج شوید. بیانیهٔ نصیحت به انصار



رفتار حاکم با مردم

و سلوک بر دو نوع است: سیر و سلوک به همراه خلق کننده و سیر و سلوک به همراه خلق شده.



و نیازها و خیلی چیزهای دیگر شبیه به خودت هستند، لغزش و اشتباه زیاد دارند و عوامل فراوانی روی آنها اثر می گذارد که به عمد یا خطا از جاده حق بیرون روند؛ بنابراین همان گونه که خودت مایلی خداوند تو را مشمول عفو و بخشش خود گرداند، تو هم که مافوق آنان هستی نسبت به آنها عفو و بخشش و گذشت داشته باش. تو سرپرست آنان هستی و سرپرستی این امر بر تو و بالای توست و خدا که کار مردم را برای رفع نیازشان به تو وا گذاشته و از این راه به وسیله آنها، تو را مورد آزمایش قرار داده بالا و سرپرست توست.»

و در جایی دیگر، فرمودند:

«... ولا يشغلک عنهم بطر فإنک لا تعذر بتضييعک التافة لأحكامک الكثير المهم، فلا تشخص همک عنهم ولا تصعر خدک لهم وتفقد أمور من لا يصل إلیک منهم ممن تقتحمه العیون وتحقره الرجال ففرغ لأولئک نفسک...»

می کند، دقیقاً بفهمی که چگونه با عامه مردم تعامل و ارتباط داشته باشی و حاکمان و رهبران این زمان، چقدر به این سخنان نیازمندند :
«... وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمَ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ يَفْرُطُ مِنْهُمْ الزَّلُّ وَتَعْرِضُ لَهُمُ الْعِلَلُ وَيُؤْتِي عَلَى أَيْدِيهِمْ فِي الْعَمْدِ وَالْخَطَا فَأَعْطِهِمْ مِنْ عَفْوِكَ وَصَفْحِكَ مِثْلَ الَّذِي تُحِبُّ وَتَرْضَى أَنْ يُعْطِيَكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَصَفْحِهِ فَإِنَّكَ فَوْقَهُمْ وَوَالِي الْأَمْرِ عَلَيْكَ فَوْقَكَ وَاللَّهُ فَوْقَ مَنْ وَلَاكَ وَقَدْ اسْتَكْفَاكَ أَمْرُهُمْ وَابْتَلَاكَ بِهِمْ.»

«علاقه و محبت و رحمت نسبت به مردم را در دلت احساس کن. مبادا نسبت به آنان همچون درنده ای وحشی باشی و فرصت حکومت را برای خود مغتتم شماری! آخر آنان یا برادران دینی تو هستند یا حداقل در آفرینش احساسات

به سیر و سلوک به همراه خلق کننده، در مفهوم ارتباط با خداوند اشاره کردم و اما سیر و سلوک به همراه خلق شده یا همان مخلوقات، بر شماست که سخنان امیرالمؤمنین (علیه السلام) در خصوص سیر و سلوک با خلق خدا و اهل خدا یا همان عیال الله را که به مالک سفارش

سید احمد الحسن (علیه السلام) :

... بعد از هر مناظره دو رکعت نماز شکر برای خداوند سبحان و متعال به جای آورید تا خداوند شما را مورد رحمت خود قرار دهد و از فضل خود بر شما بیفزاید. بیانیۀ نصیحت به انصار



«مبادا سرمستی حکومت تو را از رسیدگی به آنان بازدارد، که هرگز انجام کارهای فراوان و مهم، عذری برای ترک و ضایع کردن مسئولیت‌های کوچک‌تر نخواهد بود.



همواره در فکر مشکلات آنان باش و از آنان روی برمگردان؛ به‌ویژه امور کسانی را از آنان بیشتر رسیدگی کن که از کوچکی به چشم نمی‌آیند و دیگران آنان را کوچک می‌شمارند و کمتر به تو دسترسی دارند. وقت خود را برای این گروه از افراد، صرف کن.»

و هرکس به عهدنامه گذری داشته باشد و با تدبیر و تفکر آن را مطالعه کند، کلام بسیاری دربارهٔ سلوک و رفتار حاکم با رعیت خویش می‌یابد؛ و حمد و ثنا مخصوص خداوند است که همانا سرور و مولایم امیرالمؤمنین علیه السلام از روی لطف، تنها به مشخص کردن رفتار و سلوک، اکتفا نمی‌کند؛ بلکه مغز و محتوای این سلوک یا درون‌مایهٔ نیاز یک حاکم برای رسیدن به عزت دنیا و سعادت آخرت را آشکار می‌کند.

و برای فرد متأمل در این جمله مبارک «اعلم یا مالک انی قد وجهتک الی بلاد قد جرت علیها دول من قبلک من عدل و جور» «ای مالک بدان من تو را به‌سوی کشوری فرستادم که پیش از تو دولت‌های عادل و ستمگری بر آن حکومت داشتند» قطعاً

برخی معانی معرفتی و سلوکی بر دو سطح حکم و حکمت، آشکار و روشن می‌شود. فرمودهٔ امیرالمؤمنین علیه السلام «جرت علیها دول قبلک من عدل و جور» «پیش از تو دولت‌های عادل و ستمگری بر آن حکومت داشتند» تذکری است که در بقای مادی،

نه بقایی برای دولت عدل وجود دارد و نه بقایی برای دولت ظلم؛ وگرنه امر به دست تو نمی‌رسید ای مالک! و چه بسا که بقای اثری و معنوی یا به‌اصطلاح روحی آن در نفوس مردم و نزد خداوند باقی می‌ماند؛ پس شخص عدالتگر و حاکم عادل همواره بالا می‌رود و درجه‌اش ارتقا می‌یابد و نامش در دنیا و آخرت جاودان می‌شود و ظالم و حاکم ظالم، بر زبان‌های مردم، قرنی بعد از قرن دیگر، مورد لعن و نفرین قرار می‌گیرد؛ پس ای مالک، عبرت بگیر! خواه حاکم باشی، خواه شخص عادی.

«والسعيد من اتعظ بغیره» «و سعادتمند کسی است که از سرنوشت غیر خود، عبرت بگیرد.» [۱]

پاره‌هایی از عهد ماندگار، شهید انمار حمزة المهدی

۱. شرح اصول الکافی - مازندرانی: ج ۱۲، ص ۱۶۱.

سیداحمدالحسن علیه السلام:

بدی را با بدی پاسخ ندهید. با کسی که به بدی رفتار می‌کند، به نیکی رفتار کنید. آیا دوست ندارید خدا بدی‌تان را با احسان و نیکی پاسخ دهد؟ پس همان گونه با «مردم» رفتار کنید.... بیانیهٔ نصیحت به انصار



آدم علیه السلام چند هزار سال پیش متولد شد؟

آنچه از پاسخ علمای ادیان برداشت می‌شود، پاسخ بله است؛ اما در این مقاله شما را با پاسخ مردی از خاندان پاک پیامبر اسلام (ص)، یعنی وصی سیزدهم ایشان، سید احمد الحسن (ع) آشنا خواهیم کرد. مردی که معتقد است تعارضی وجود ندارد و داستان دین از آدم علیه السلام، همسو و موافق با یافته‌های علمی دانشمندان درباره منشأ نسل بشر امروزی است.

«اکنون ما درباره عمر انسان بر روی زمین که علم طبق سنگواره‌های موجود کشف کرده است، اطلاعاتی در دست داریم. اگر به انسان راست‌قامت یا هومو ارکتوس بسنده کنیم (که شکل انسانی داشته، راست‌قامت و تقریباً کم‌مو بوده، همچنین با آتش‌آشنایی داشته و برخی ابزار شکار را به کار می‌گرفته است)، قدمت انسان به تقریباً دو میلیون سال پیش می‌رسد. این عدد با عمر انسان از دیدگاه دین - حتی اگر آن را چند برابر نیز بکنیم - تناسبی ندارد. علاوه بر این، علم نشان می‌دهد که انسان‌های راست‌قامت (هومو ارکتوس) مردگان خود را دفن نمی‌کرده‌اند و همچنین ظاهر آن‌ها نیز با شکل انسان امروزی متفاوت بوده است. این موضوع با آدم و فرزندانش علیه السلام که قرآن تصریح فرموده که خداوند دفن مردگان را به آن‌ها آموخته است، تناسبی ندارد:

(وَائْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَى آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقْبِلَ

عموم علمای ادیان در پاسخ به این سؤال مهم، بر اساس متن تورات، تاریخ پیدایش آدم علیه السلام یا انسان بر روی زمین را در حدود ۶۰۰۰ تا ۷۰۰۰ سال پیش می‌دانند! یعنی معتقدند که آدم علیه السلام ۷۰۰۰ سال پیش، از خاک بر روی زمین آفریده شد و سپس نسل بشر از وی پدید آمدند. این برداشت از متون دینی با یافته‌های علمی که تأیید می‌کنند انسان‌هایی همچون ما، در حدود ۱۰۰ هزار سال پیش در آفریقا می‌زیستند و همچنین یافته‌هایی که پیدایش گونه ما را از حدود ۲۰۰ الی ۳۰۰ هزار سال پیش می‌دانند، در تناقضی آشکار است.

و برخی دیگر از علمای ادیان در برابر این سؤال، سکوت پیشه کردند و برداشت‌های خود را از متون دینی بیان نکردند.

بنابراین سؤالی که برای هر ذهن پرسشگری ایجاد می‌شود آن است که: «آیا بین اخبار دینی درباره آدم علیه السلام و یافته‌های علمی تناقضی وجود دارد؟!»



سید احمد الحسن علیه السلام:

به آنچه در ملکوت آسمان‌ها می‌شنوید و می‌بینید، شهادت دهید. حق را به مردم

معرفی کنید و مردم را به سوی حق بخوانید و همه آن‌ها را به این سفره‌ای که از آسمان نازل شده دعوت کنید. نامه هدایت، ص ۱۸



مهاجرت کرده و منقرض شده باشند؛ در حالی که آدم و پیامبران پس از وی در آفریقا نبوده اند و بر اساس متن دینی، آن ها مردگان خویش را به خاک می سپرده اند.

نظریه غالب این است که به لحاظ علمی ما در عصر کنونی نمی توانیم به هیچ نحوی خودمان را از انسان های راست قامت یا هوموارکتوس به حساب آوریم؛ زیرا بین اندازه مغز و توانایی های ذهنی ما با آن ها تفاوت های بسیاری وجود دارد؛ بنابراین آدم به طور قطع و یقین از هوموارکتوس ها نبوده است و این، به طور قاطع مدعایی را که می گوید آدم علیه السلام به زمانی بازمی گردد که هوموساپینس وجود داشته، یعنی قبل از ۲۰۰ هزار سال پیش، رد می کند. نکته دیگر اینکه بیش از ۱۰۰ هزار سال از این ۲۰۰ هزار سال، هوموساپینس در آفریقا محصور بوده، به صورت بدوی زندگی می کرده، و مردگان خود را به خاک نمی سپرده است. و از سوی دیگر در آن زمان، ظاهر هوموساپینس هنوز به طور کامل مشابه انسان امروزی نشده بود؛ چراکه این اتفاق در حدود ۱۰۰ هزار سال پیش رخ داده است. نتیجه آنکه بر اساس یافته های علمی، آدم علیه السلام که در متن دینی از آن ذکری به میان آمده، از لحاظ فیزیکی بر روی زمین پدیدار نشده است، مگر پس از تاریخ ۱۰۰ هزار سال ق.م؛ ولی در هر حال وی نتیجه امتداد تکامل انسانی در طی میلیون ها سال است و این یعنی آدم علیه السلام به طور قطع و یقین فرزند پدر و مادر خویش بوده است.» [۲]

ادامه دارد...

۱. مانند، ۲۷ تا ۳۱.

۲. احمد الحسن، «توهم بی خدایی، نشانه های پروردگار در هستی»، ترجمه فارسی، ۱۳۹۷ ش، صفحه ۱۳۲ و ۱۳۳.

مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ... فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ * فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارِي سَوْءَةَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَا أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُوَارِيَ سَوْءَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ [۱]

(و داستان راستین دو پسر آدم را برایشان بخوان، آنگاه که قربانی کردند از یکی شان پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد. گفت: تو را می کشم. گفت: خدا قربانی پرهیزگاران را می پذیرد. ... نفسش او را به کشتن برادر ترغیب کرد، و او را کشت و از زیانکاران شد * خدا کلاغی را واداشت تا زمین را بکاود و به او بیاموزد که چگونه جسد برادر خود را پنهان سازد. گفت: وای بر من، در پنهان کردن جسد برادرم از این کلاغ هم عاجزترم و در زمره پشیمانان درآمدم).

حتی اگر ما به انسان خردمند یا هوموساپینس بسنده کنیم، در بهترین حالت، حدود ۲۰۰ هزار سال خواهیم داشت. این دوره زمانی نیز با عمر آدم علیه السلام از نظر دین، تناسبی ندارد؛ با علم به اینکه انسان های خردمند حدود ۱۰۰ هزار سال در آفریقا محصور بوده اند و مردگان شان را نیز دفن نمی کرده اند؛

زیرا تاریخ قدیمی ترین شواهد به خاک سپاری مردگان در خصوص هوموساپینس، به حدود ۱۰۰ هزار سال پیش و آن هم به گروهی در خارج از آفریقا بازمی گردد که احتمال می رود از هوموساپینس ها باشند و بعدها به فلسطین

سید احمد الحسن علیه السلام:

چه بسا کسانی که در ظاهر، نماز و دعای خود را طولانی می کنند بر سر این سفره حاضر نشوند؛ بلکه آن هایی روی این سفره حاضر شوند که زناکار و شراب خوار و خطاکارانی هستند که به سوی خدا توبه کرده اند. نامه هدایت، ص ۱۸

واقفیه عصر ظهور با هشدار از سوی امام رضا علیه السلام

سنت الهی هیچ گونه تغییر نخواهی یافت. [۱] به خداوند سوگند که خدا آن را تغییر نخواهد داد تا آخرینشان کشته شود. [۲]

در اینجا امام رضا علیه السلام سوگند یاد می کنند که واقفیه هرگز پایان نمی پذیرد و تا آخرالزمان و ظهور امام مهدی علیه السلام موجود است تا اینکه هلاکشان به دست مهدی اول علیه السلام انجام شود؛ و دلیل این مطلب، سخن خدای سبحان است که فرمود: (مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقِفُوا أُخِذُوا وَقُتِلُوا تَقْتِيلًا * سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا) و نیز سخن امیرالمؤمنین علیه السلام که می فرماید:

«فانظروا أهل بيت نبكم، فإن لبدوا فالبدوا، وإن استنصروكم فانصروهم، فليفرجن الله الفتنة برجل منا أهل البيت، بأبي ابن خيرة الإماء لا يعطيهم إلا السيف هرماً هرماً، موضوعاً على عاتقه ثمانية أشهر، حتى تقول قريش: لو كان هذا من ولد فاطمة لرحمنا، يغيره الله ببني أمية حتى يجعلهم حطاماً»

اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا)، والله إن الله لا يبدلها حتى يقتلوا عن آخرهم).



در مدینه نزد ابی حسن الرضا علیه السلام بودم. در این هنگام مردی از اهل مدینه بر حضرت وارد شد و درباره واقفیه از حضرت سؤال کرد؛ پس حضرت پاسخ داد: **(طردشدگان اند. هر جا که یافت شوند باید دستگیر شوند و به سختی به قتل برسند. این سنت خداوند در اقوام پیشین است، و برای**

شکست مردم در تشخیص فرستاده های خدا در هر زمان و توقف آن ها بر تعدادی از این فرستاده ها از مهم ترین عبرت های تاریخی است که بر هر مؤمنی واجب است تا از این حوادث بیاموزد و خود را از لعنت خدا و فرستاده های او برهاند. همین مسئله موجب ایجاد فرقه واقفیه در زمان امام رضا علیه السلام شد؛ تا جایی که امام علیه السلام همه آن ها را لعنت کردند و این واقفی گری را مشکل همیشگی مردم دانستند.

از امام رضا علیه السلام روایت های بسیاری درباره لعن واقفیه و اتهامشان به کفر و حیلہ گری موجود است؛ اما آنچه در این روایت وارد شده درباره واقفیه زمان امام رضا علیه السلام جای تأمل و اندیشه دارد که با واقفیه عصر مهدی اول نیز مرتبط است:

سلیمان بن جعفر می گوید: كنت عند أبي الحسن [الرضا] بالمدينة إذ دخل عليه رجل من أهل المدينة، فسأله عن الواقعة، فقال أبو الحسن: (مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقِفُوا أُخِذُوا وَقُتِلُوا تَقْتِيلًا * سُنَّةَ

سید احمد الحسن علیه السلام:

من برای همین مبعوث شدم؛ برای اصلاح آن ها (گناهکاران). خوشا به حال آن هایی که توبه کردند و به سفره عروسی گوسفند نر حاضر شدند. خوشا به حال کسانی که نسبت به من شک و گمان و لغزشی ندارند. نامه هدایت، ص ۱۸

به دوش خود می‌نهد، کافران را به قتل می‌رساند تا به بیت المقدس برسد.» [۴]



آیا مردم این بار عبرت می‌گیرند و خود را از تکرار تاریخ و لعنت امام‌المهدی نجات می‌دهند؟

(کتاب واقفیه عصر ظهور، ص ۳۹، با کمی اضافات)

قریش می‌گویند: اگر او فرزند فاطمه بود به ما رحم می‌کرد. خداوند او را بر بنی‌امیه چیره می‌سازد و آنان را نابود و ویران می‌کند. (طردشدگان‌اند. هر جا که یافت شوند باید دستگیر شوند و به سختی به قتل برسند. این سنت خداوند در اقوام پیشین است، و برای سنت الهی هیچ‌گونه تغییر نخواهی یافت.)» [۳]

آری، آیه قرآن در دو حدیث بالا از یک واقعیت پرده برمی‌دارد و کسی نمی‌تواند بگوید این مردی که امام علی‌علیه‌السلام او را وصف می‌کند که هشت ماه شمشیر به دوش می‌نهد امام مهدی‌علیه‌السلام است و کسی غیر از او نیست؛ زیرا این روایت ثابت می‌کند که او مردی است که قبل از امام مهدی‌علیه‌السلام می‌آید: «یخرج رجل قبل المهدي من اهل بيته من المشرق، يحمل السيف على عاتقه ثمانية أشهر، يقتل ويقتل ويتوجه إلى بيت المقدس...» «مردی قبل از مهدی‌علیه‌السلام از اهل بیت ایشان از سوی مشرق خروج می‌کند و به مدت هشت ماه شمشیر را

ورفتا، ملعونین اینما ثقفوا أخذوا وقتلوا تقتيلاً، سنة الله في الذين خلوا من قبل ولن تجد لسنة الله تبديلاً.»

«به اهل بیت نبی خود بنگرید اگر پنهان شدند، پنهان شوید و اگر از شما نصرت خواستند یاری‌شان دهید؛ تا اینکه خداوند فتنه را به وسیله مردی از ما اهل بیت پایان دهد.



پدرم به فدایش که فرزند بهترین برگزیده است. سوگند که چیزی جز شمشیر به آنان نمی‌دهد و به مدت هشت ماه شمشیر را بر دوش خود می‌نهد تا اینکه

۱. احزاب، ۶۱ و ۶۲.
۲. رجال کشی، ۸۶۴/۴۵۷.
۳. معجم احادیث الإمام المهدي: کورانی- ج ۵ حدیث ۱۷۸۶
۴. بشارت الإسلام- الممهدون- کورانی.

سیداحمدالحسن‌علیه‌السلام:



همچون بنایی محکم و استوار باشید و اسباب خود را آماده کنید و با علم و عمل نیکو و اخلاص برای خدای متعال، خود را مهیا سازید. بیانیه نصیحت به انصار



آیا عقیده مهدی، اصل و خاستگاه شیعی دارد؟

درآورده‌اند؛ نه «عبدالله بن سبا» [۳] و نه هیچ‌یک از پیروانش ارتباطی با این سندهای قطعی ندارند و در سلسله‌راویان آن‌ها هیچ نشانی از نادانی که حرف دیگران را به‌راحتی بپذیرد وجود ندارد که منتقدان بتوانند به آن عیب و ایرادی وارد کنند!



بیش از یک محقق (اهل سنت) از ریشه‌دار بودن عقیده مهدی در میراث اهل سنت دفاع کرده است. نمونه‌هایی از این دفاعیات را به‌جهت اختصار انتخاب کرده‌ام.

حمود تویجری در پاسخ به شیخ قطری ابن محمود که گفته خاستگاه عقیده مهدی از شیعه است و بر اثر اختلاط و مؤانست، به اهل سنت سرایت کرده است، اصل این ادعا را به رشید رضا، احمد امین و سعد محمد حسن بازمی‌گرداند و کلماتی را که آنان به این قصد گفته‌اند، به‌صورت کنایه‌ای از او به تقلید ابن محمود از آنان- نقل می‌کند. [۱]

حمود تویجری بر این گمان است که عقیده مهدی نزد شیعیان در مقایسه با وجود داشتن نزد اهل سنت، متأخر است و در نتیجه نمی‌توان گفت از شیعه به اهل سنت سرایت کرده است! [۲] در اینجا اینکه این سخن تویجری تا چه اندازه درست یا نادرست است برای ما اهمیتی ندارد؛ آنچه مهم است روی دیگر کلام اوست که دلالت بر اصالت این تفکر یا عقیده در اهل سنت دارد! همچنین تویجری در پاسخ به این ادعا چنین می‌گوید:

«احادیث قطعی و ثابت‌شده در خصوص قیام مهدی، روایت‌شده افراد ثقه از افراد ثقه است؛ از صحابه‌ای که از پیامبر نقل کرده‌اند تا پیشوایان که در کتاب‌های خود به نگارش

سیداحمدالحسن علیّه السلام:

بر شماست که طاهر باشید و نماز و دعا را پیشه خود کنید. خدا شما را موفق گرداند و ثابت‌قدمتان بدارد و شما را مورد نصرت غالب و دائمی خود قرار دهد.

بیانیه نصیحت به انصار



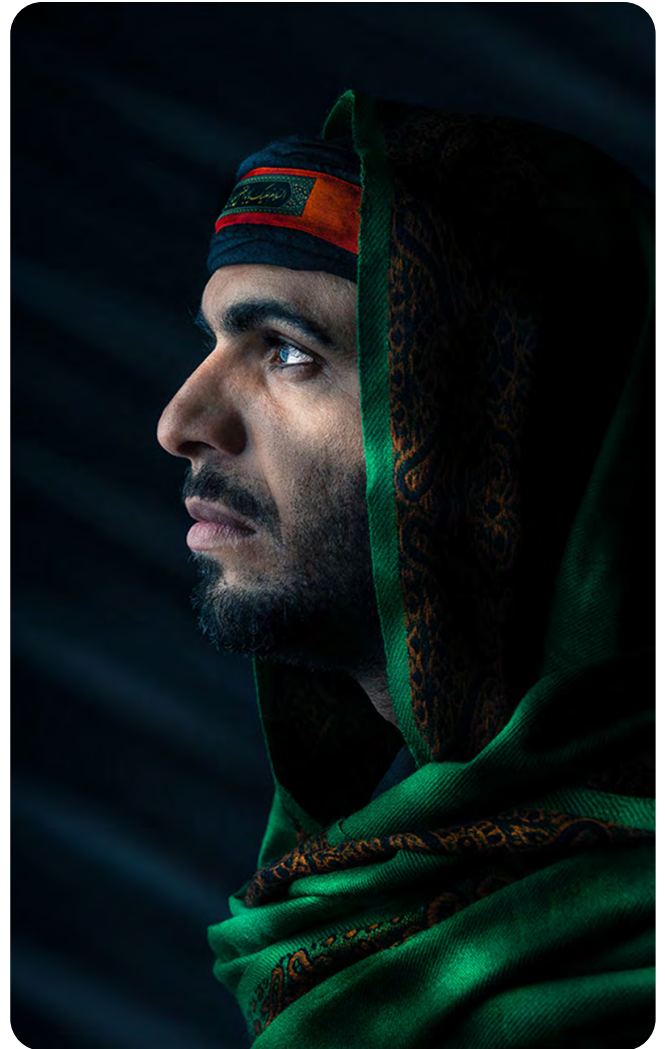
و زیاده‌روی نکرده، به جعلی‌بودنش حکم نمی‌کنند؛ زیرا احتمال دارد این حدیث از سخنان پیامبر باشد. اما احادیثی که راویان ثقه از افراد ثقه، از پیامبر نقل کرده باشند، چنین حدیثی را بزرگ می‌شمارند و در اصول و فروع دین به آن اعتماد می‌کنند.»

و سخن خود را به این نکته ختم می‌کند که مدعی این ادعا دلیلی برای اثباتش ندارند. مفاد سخن وی چنین است:

«شایسته می‌بود ابن محمود در خصوص آنچه به ابن سبأ و پیروانش نسبت می‌دهد در خصوص سبک و سیاق احادیث مربوط به مهدی و جعل آن‌ها و نسبت‌دادنشان به رسول خدا با سلسله‌سندهای منظم روایت‌شده از اهل قبور و انتشار آن‌ها بین مردم مدرک درستی ارائه دهد و وقتی سندی از منابع مطمئن بیان نمی‌کند، بی‌تردید سندی که به آن اعتماد کرده، جز توهم و خیال و پیروی از ظن و گمان نبوده است!»

چنین دفاعی را محمد احمد المبیض در پاسخ به سعد محمد حسن، نگارنده کتاب «المهدیة فی الاسلام» ارائه کرده که وی را به جهت ارائه‌ندادن دلیل علمی برای ادعای خطیرش نکوهش کرده است.

بنابراین آنچه ابن محمود در اینجا تصور می‌کند، تزویر و فریبی برای افراد کوتاه‌فکر است و اساس درستی ندارد.



(دکتر دیراوی، تصور اهل سنت از مهدی منتظر، ص ۴۱)

وقتی علمای جرح و تعدیل بخواهند ایرادی به حدیثی بگیرند و حکم به جعلی‌بودنش کنند، از آن جهت که در سلسله‌سند آن حدیث بعضی از جاعلین و دروغ‌گویان وجود دارند به آن، اتهام جعل‌بودن می‌زنند؛ ولی اگر در سلسله‌اسناد حدیثی بعضی احادیث، افراد ضعیفی وجود داشته باشند حکم به ضعف آن حدیث می‌کنند

۱. مراجعه شود به الاحتجاج بالاثَر، ص ۳۲ و بعد.

۲. همان منبع، ص ۳۴.

۳. ابن محمود قطری مانند رویه معمول وهابیون، شیعه را متهم می‌کند که شخصی به نام «عبدالله بن سبأ» را جعل کرده‌اند، و تویجری نیز او را در اتهامش همراهی می‌کند.

سید احمد الحسن (علیه السلام):

ایا گمان می‌کنید مشغله من، فقط شما هستید؟ بیشتر مردم در حالی از بین خواهند رفت که بر گمراهی‌اند و وارد جهنم می‌شوند و حال آنکه هریک از شما مشغول به خویشتن خویش است؛ هریک از شما فریاد منیت سر می‌دهد! در محضر عبد

صالح، ج ۱، ص ۹۶

کتاب پاسخ های فقهی متفرقه، جلد پنجم

به ناچار، امام احمد الحسن علیه السلام را مخاطب سؤالات فقهی خود قرار دادند. در اینجا باید به نکته ای اشاره کنم که خالی از لطف نیست و طولانی شدن روند پاسخ به سؤالات فقهی است. مکتب امام احمد الحسن علیه السلام برای دریافت سؤالات فقهی، گروهی را قرار داده است که راه ارتباطی آن، ایمیلی است که در صفحه مکتب موجود است. این ایمیل برای دریافت سؤالات به زبان عربی است که آدرسش در ذیل موجود است:

Alljnahalfkheah@yahoo.com
برای فارسی زبانان، مؤسسه وارثین ملکوت، گروه شرایع الاسلام، آیدی تلگرامی «پاسخ گوی

و زمانش رسیده است بیان کنم و آنچه را وقتش نرسیده به وقتش موکول کنم؛ و هر کس با این احکام مخالفت کند با امام مهدی علیه السلام مخالفت کرده است.»

معتقدم اهمیت بحث احکام و شریعت، با تدبیر و اندیشه در این عبارات، برای مخاطبین مشخص شده است. یکی از این مجموعه کتب که به شکل پرسش و پاسخ است، کتاب «پاسخ های فقهی متفرقه، جلد پنجم» است که آغاز مجموعه پرسش و پاسخ است. سطح عمده ای از احکام، در کتب «احکام نورانی اسلام» موجود نیست و انصار امام مهدی علیه السلام

امام احمد الحسن علیه السلام با نگاشتن کتب فقهی «شرائع الاسلام» یا همان «احکام نورانی اسلام» ترویج و نشر فقه را بین مؤمنین آغاز کردند و با این کار، در عمل اشاره به اهمیت این مسئله نمودند. یکی از برنامه های اصلی انصار امام مهدی علیه السلام نیز مطالعه و مباحثه و بیان احکام در میان خودشان است. باید این مسئله را جدی بگیریم و وقت کافی برای آن اختصاص دهیم. همان قدر که بحث عقیده در دین الهی و آموزه های دعوت اهمیت دارد، بحث احکام و فقه نیز مهم است. مطالعه کتب فقهی امام احمد الحسن علیه السلام باید جزو برنامه های روزانه ما باشد؛ چراکه ایشان علیه السلام در کتاب «احکام نورانی اسلام» جلد اول و در مقدمه آن، این گونه بیان می کنند:

«این کتاب را به دستور امام مهدی علیه السلام و بر اساس آنچه از ایشان آموختم تصحیح و احکام شریعت اسلام را بیان نمودم. ایشان مرا امر فرمودند تا علمی را که اهلش موجود

معرفی کتاب پاسخ های فقهی
مسائل متفرقه
جلد پنجم

سید احمد الحسن علیه السلام



سید احمد الحسن علیه السلام:

باید ایمان انسان خالی از هرگونه طلب سود و منفعت دنیوی باشد و حتی فرد مؤمن باید آمادگی استقبال از هرگونه ضرر و زیان دنیوی را که در نتیجه ایمانش حاصل می شود داشته باشد. پاسخ های روشنگرانه، ج ۲، ص ۲۶

سؤالات شرعی:

@Sharaye_۱۰۳۱۳

را قرار داده است که می‌توانیم سؤالات فقهی خود را بپرسیم. با پرسیدن سؤال از این درگاه، ممکن است، پاسخ ما در همان لحظه داده نشود و حتی ماه‌ها طول بکشد. این مسئله، به این خاطر است که احکامی که از امام علیه السلام در کتب موجود است، برای مخاطبین ارسال می‌شود؛ ولی بخشی از این پرسش‌ها در کتب ایشان موجود نیست و باید برای گروه فقهی مکتب فرستاده شود و این بزرگواران نیز پرسش‌هایی را که نسبت به آن علم ندارند، از امام احمدالحسن علیه السلام می‌پرسند. و این روند ممکن است، طول بکشد. شاهد آن، پاسخ‌های امام علیه السلام به پرسش‌هایی است که ماه‌ها قبل برای گروه فقهی فرستاده شد که نشان از کم‌کاری این بزرگواران ندارد؛ بلکه سطح و مقدار کارها، زیاد است؛ لذا با مطالعه کتب فقهی امام علیه السلام و نیز صبوری در دریافت پاسخ خود، می‌توانیم، نقش بسزایی را ایفا کنیم. کتاب «پاسخ‌های فقهی متفرقه،

جلد پنجم» این مباحث را شامل می‌شود که شما را به مطالعه آن دعوت می‌کنیم:

«شعائر حسینی، مسائل مربوط به طهارت، مسائل مربوط به نماز، مسائل مربوط به روزه، مسائل مربوط به خمس و زکات، مسائل مربوط به حج، مسائل مربوط به ازدواج و زندگی زناشویی، مسائل مربوط به تربیت کودک، مسائل مربوط به خانم[ها]، مسائل مربوط به ارث، مسائل مربوط به پزشکی و درمان، خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها، مسائل مربوط به صید و تذکیه، مسائل مربوط به تربیت حیوانات، تعامل با قوانین وضعی و قراردادی، تعامل با افرادی که به حق ایمان ندارند، مسائل مربوط به احکام تجارت و مشاغل، مسائل مربوط به آداب عشایری و دیات، مسائل مربوط به شنیدن غنا و ابزار آلات موسیقی، نصایح کلی، مسائل متفرقه، گفت‌وگویی درباره احکام ربا در وام‌ها و معاملات.» این فهرست و موضوعات جلد پنجم کتاب است. موضوعات بسیار جالب و شایعی هستند. نکته مهمی که باید خدمت

عزیزان عرض کنیم، این است که در مطالعه و عمل به احکام و فقه اسلامی، حتماً مجموعه احکام را ببینیم و با دیدن یک حکم شرعی و بدون دیدن احکام دیگر در همین موضوع، به آن عمل نکنیم. لازمه این مسئله، تسلط نسبی بر احکام است که وظیفه تک‌تک ماست. پس مطالعه و آموختن احکام را جدی بگیریم؛ چراکه با عمل نکردن به احکام شرعی، ممکن است، با امر و دستور امام مهدی علیه السلام مخالفت کنیم. لینک‌های دانلود کتاب را در اختیار شما قرار می‌دهیم که این کتاب را دانلود کنید و در برنامه مطالعاتی خود قرار دهید.

لینک دانلود کتاب به عربی:



دانلود

توجه: این کتاب اخیراً منتشر شده و هنوز به فارسی ترجمه نشده است.

سید احمد الحسن علیه السلام:

فرد مؤمن اگر بر روی قله کوه باشد، خداوند کسی را که به او آزار و اذیت برساند بر وی مسلط خواهد کرد تا اجر و مزدی برایش باشد و مقامش ارتقا یابد.

پاسخ‌های روشنگرانه، ج ۲، ص ۲۶



مهم ترین خبر جهان!

سید احمد الحسن علیه السلام ظهور کرد
ای یهودیان! فرستاده ایلایا آمده است.
ای مسیحیان تسلی دهنده و فرستاده مسیح آمده است.
ای عزیزان اهل سنت! آن مهدی که در آخر الزمان متولد
می شود، اکنون در میان ماست.
ای شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام فرستاده امام
مهدی و دعوت کننده به سوی او، یمانی موعود،
سالهاست که منتظر شماست.
ای تمام آزاداندیشان و اهل علم در زمین! خلیفه خدا با
سندی از علم و شگفتی ها آمده است.